



یادداشت

میراحمدرضا مشرف

### بریکس؛ شکننده اما ظرفیت‌ساز برای ایران

نشست دوروزه وزرای خارجه کشورهای عضو گروه بریکس در دهلی نو خاتمه پیدا کرد، آن هم در شرایطی که اعضای بریکس نتوانستند بر سر صدور یک بیانیه مشترک پایانی به توافق برسند و در نهایت هند به عنوان رئیس نشست، تنها اقدام به انتشار یک سند جمع‌بندی نهایی کرد که در آن به اختلاف نظر میان برخی از اعضا در مورد وضعیت غرب آسیا و خاورمیانه اشاره شده بود. اما در مورد برگزاری این نشست و حاشیه‌های پیش آمده و مهم‌تر از همه موقعیت و چگونگی ارتباط ایران با این گروه به چند نکته مهم می‌توان اشاره کرد:الف. نقش تحولات جدید خاورمیانه و جنگ رمضان در ارتقای موقعیت بین‌المللی بریکس؛ گروه بریکس در شرایطی نتوانست در مورد وقایع اخیر خاورمیانه و به خصوص تجاوز آمریکا ورژیم صهیونیستی به اعلام مواضع رسمی برسد که به باور بسیاری از تحلیلگران و سیاستمداران، این تحولات در جلب توجه عمومی و ارتقای جایگاه جهانی بریکس نقشی برجسته ایفا کرده است، با توجه به ماهیت اهداف ایجاد بریکس، به نظر می‌رسد تحولات پس از تجاوز آمریکا ورژیم صهیونیستی به ایران و همچنین انسداد تنگه هرمز، کاملاً در راستای اهداف سازمان قرار گرفته‌اند؛ تضعیف شدید موقعیت دلار در منطقه خاورمیانه و جهان، بروز نشانه‌های آشکار افول قدرت غرب و ایالات متحده و دیده شدن بریکس به عنوان یکی از ظرفیت‌های جایگزینی نظم قدیم.

ب. مواضع بریکس در مورد تحولات خاورمیانه و جنگ رمضان؛ با وجود آنکه وقایع و تنش‌های اخیر خاورمیانه و تنگه هرمز در تقویت جایگاه بریکس در صحنه بین‌المللی و افزایش اعتبار آن در تقابل با سلطه جهان غرب و آمریکا، نقشی بسزا ایفا کرده است، با این حال بریکس تاکنون موفق نشده در برابر تحولاتی چون جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و یا جنگ رمضان واکنش رسمی از خود نشان دهد. در مورد اجلاس اخیر وزرای خارجه در هند نیز از همان ابتدا پیش‌بینی می‌شد که امکان اجماع نظر میان اعضا در این مورد بسیار ضعیف است، کما اینکه لااروف، وزیر خارجه روسیه در روزهای پیش از اجلاس تصریح کرد روسیه پیشنهاد تهیه پیش نویس بیانیه‌ای از سوی بریکس در مورد تنگه هرمز را ارائه کرده اما اختلافات ایران و امارات مانع اجرای آن شده است. این اختلاف نظرها تا آنجا بالا گرفت که در نهایت حتی به عدم انتشار بیانیه مشترک پایانی از سوی وزرای خارجه بریکس منجر شد، موضوعی که می‌تواند به اعتبار بریکس به عنوان یک گروه و سازمان هماهنگ لطمه سنگینی وارد کند. اما عدم موضع‌گیری بریکس در قبال تحولات خاورمیانه صرفاً به این عامل محدود نمی‌شود. میزبانی هند و تمایلات این کشور به سمت ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و اعراب خلیج فارس؛ تلاش بریکس در جذب حداکثری عضو بدون در نظر گرفتن اشتراک نظر و وحدت مواضع سیاسی و در نهایت ماهیت عمده‌الائمه‌سازی بریکس را می‌توان از جمله دلایل دیگر این موضوع برشمرد: «عضویت در این گروه تعهدی برای کمک متقابل در صورت وقوع تجاوز مسلحانه ایجاد نمی‌کند. این سازمان ماهیت متفاوتی دارد و همکاری در حوزه‌های دیگر را دنبال می‌کند.» (سخنگوی کرملین)

#### اهمیت تداوم روابط با بریکس برای ایران

با وجود سکوت و انفعال بریکس در برابر تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، دلایل و عوامل زیادی وجود دارد که بر مبنای آن‌ها باید بقا و یا حتی ارتقای روابط ایران با این گروه را ضروری تلقی کرد. در وهله نخست همکاری با بریکس و اعضای آن در کانال‌های اقتصادی و مالی فرصت خوبی برای دور زدن تحریم‌ها به خصوص از جنبه بانکی فراهم می‌کند. تلاش جمهوری اسلامی برای عضویت در بانک «توسعه نوین بریکس» را در همین راستا می‌توان ارزیابی کرد. در عین حال ایران می‌تواند در بسیاری از پروژه‌های اقتصادی و علمی ارائه شده از سوی بریکس مشارکت داشته و یا حتی در این زمینه پیشگام باشد.

فراخوان مشارکت در پروژه‌های علمی پرچم دار بریکس ۱۴۰۵ با هدف انتخاب سه طرح کلان میان‌رشته‌ای و با مشارکت دست‌کم چهار کشور یکی از همین برنامه‌هاست که از سوی بنیاد ملی علم ایران و با همکاری برنامه علم، فناوری و نوآوری بریکس ارائه شده است. در کنار این‌ها، این نکته مهم را نیز نباید نادیده گرفت که همکاری با سازمان‌ها و نهادهایی مانند بریکس و یا شانگهای موجب تقویت موضع ایران در مجامع بین‌المللی شده و از سوی دیگر به روند ضعف هژمونی آمریکا در حوزه‌های اقتصادی مانند سلطه دلار و همچنین حرکت به سوی یک جهان چندقطبی و عادلانه‌تر کمک خواهد کرد.

سخنان وزیر خارجه در بریکس، یک بحث قدیمی را به متن سیاست جهانی برگرداند

# سازمان ملل؛ از آرمان عدالت تا ضرورت بازسازی



**سید مجتبی جلالی** | سخنان اخیر وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در نشست وزیران خارجه کشورهای عضو بریکس، بار دیگری از کهن‌ترین و در عین حال زنده‌ترین بحث‌های سیاست بین‌الملل را به صدر توجه‌ها آورد؛ اصلاح ساختار سازمان ملل متحد. تأکید بر اینکه اصلاحات نباید در حد تغییرات صوری و ظاهری باقی بماند، بلکه باید به توزیع عادلانه قدرت بینجامد، نشان می‌دهد مسئله‌ای که سال‌هاست از سوی بسیاری از کشورها مطرح می‌شود، همچنان پاسخی درخور نیافته است. در واقع، آنچه در این موضع‌گیری برجسته است، نه صرفاً تکرار یک مطالبه دیپلماتیک، بلکه یادآوری این نکته است که نظم جهانی بدون بازنگری در بنیان‌های قدرت، نمی‌تواند ادعای عدالت داشته باشد.

#### سازمانی برای صلح، اما گرفتار نابرابری ساختاری

سازمان ملل متحد در پایان جنگ جهانی دوم، با میدی بزرگ بنیان نهاده شد؛ امیدی برای جلوگیری از تکرار فجایع ویرانگر قرن بیستم و ایجاد سازوکاری برای صلح، امنیت و همکاری میان ملت‌ها. با این حال، تجربه دهه‌های گذشته نشان داده این نهاد، به‌ویژه در ارکان حساس خود از جمله شورای

امنیت، همواره با پرسش‌هایی جدی درباره عدالت، نمایندگی و کارآمدی روبه‌رو بوده است. ساختاری که قرار بود مظهر اراده جمعی جامعه جهانی باشد، در عمل بارها به صحنه اعمال نفوذ قدرت‌های محدود تبدیل شده است. بدین ترتیب، شکاف میان آرمان تأسیس و کارکرد واقعی سازمان، به یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق و سیاست بین‌الملل بدل شده است.

#### حق و تو؛ نماد موازنه‌ای کهنه

در این میان، حق و تو پنج عضو دائم شورای امنیت، بیش از هر سازوکاری، نماد نابرابری در معماری نظم بین‌الملل است. این امتیاز ویژه که ریشه در موازنه قدرت پس از جنگ جهانی دوم دارد، امروز در جهانی که دیگر شباهت چندانی به آن دوران ندارد، همچنان پابرجاست. نتیجه آن است که اراده اکثریت کشورها در بسیاری از موارد می‌تواند با تصمیم یا مخالفت چند بازیگر محدود بی‌اثر شود؛ وضعیتی که نه‌تنها با روح عدالت جهانی ناسازگار است، بلکه مشروعیت نهادهای بین‌المللی را نیز به تدریج فرسوده می‌کند. به بیان دیگر، هرچه جهان متنکثرتر و پیچیده‌تر شده، سازوکار تصمیم‌گیری در شورای امنیت بیش از پیش رنگ و بوی گذشته را حفظ کرده است.

اصلاح واقعی، نه تغییرات نمایشی

کنه‌قابل تأمل در سخنان عراقچی آن است که او بر اصلاح جدی تأکید می‌کند، نه اصلاحات سطحی و نمایشی. این تمایز در ادبیات سیاسی، تمایزی کلیدی است. چه بسیار اصلاحاتی که در ظاهر، نوید تحول می‌دهند، اما در عمل چیزی جز بازتولید مناسبات پیشین نیستند؛ چند کرسی تازه، چند نام جدید یا چند عبارت زیبا در بیانیه‌ها، بی‌آنکه سازوکار اصلی قدرت دگرگون شود. اگر قرار باشد اصلاح سازمان ملل تنها در سطح فرم و ظاهر باقی بماند، آن گاه مسئله اصلی همچنان دست نخورده خواهد ماند: چه کسی تصمیم می‌گیرد، به نام چه کسی و با چه میزان مشروعیت؟ این پرسش، امروز فقط پرسشی حقوقی نیست، بلکه به هسته اخلاقی نظم جهانی نیز مربوط می‌شود.

#### شورای امنیت و بحران نمایندگی

شورای امنیت به‌عنوان مهم‌ترین رکن تصمیم‌ساز در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی، بیش از هر نهاد دیگری در معرض این پرسش است. کارنامه این شورای در مواجهه با بحران‌های جهانی، بارها نشان داده تصمیم‌گیری در آن همیشه بر پایه ضرورت‌های انسانی یا الزامات عدالت استوار نبوده است.

یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ ۲۹ ذی القعدة ۱۴۴۷ | ۱۷ می ۲۰۲۶ | سال سی و نهم | شماره ۱۰۹۲۹ | WWW.QUODSONLINE.IR

در برخی بحران‌ها، واکنش‌ها سریع و قاطع بوده‌اند؛ در برخی دیگر سکوت، تعلل یا ملاحظیات سیاسی بر اصل مسئولیت‌پذیری غلبه کرده‌است. این گزینشی بودن، اعتبار نهادهی سازمان ملل را زیر سؤال می‌برد و این برداشت را تقویت می‌کند که در نظم کنونی، همه کشورها از حقوق برابر در تعیین سرنوشت جهانی برخوردار نیستند. از این منظر، بحران شورای امنیت صرفاً بحران کارکرد نیست، بلکه بحران اعتماد نیز هست.

#### نمایندگی همه قاره‌ها؛ مطالبه‌ای فراتر از جغرافیا

از همین رو، تأکید بر نمایندگی همه قاره‌ها و همه نقاط جهان، صرفاً یک مطالبه شکلی یا منطقه‌ای نیست، بلکه بازتاب خاستی عمیق‌تر برای بازتعریف مشروعیت در سطح بین‌المللی است. جهان امروز، دیگر جهان محدود به چند پایتخت غربی یا چند قدرت پیروز جنگ جهانی دوم نیست. وزن جمعیتی، اقتصادی، تمدنی و ژئوپلیتیک بسیاری از کشورها و مناطق، به‌روشنی تغییر کرده است. با این حال، این تغییرات بنیادین هنوز در ترکیب و سازوکار نهادهای اصلی حاکمیت جهانی به‌درستی انعکاس نیافته‌اند. همین فاصله میان واقعیت جهان و ساختار تصمیم‌گیری، منبع اصلی بحران مشروعیت در نهادهای بین‌المللی است. اگر نظم جهانی بخواهد قابل دفاع بماند، باید بتواند این واقعیت را به رسمیت بشناسد که قدرت در جهان امروز توزیع شده‌تر از گذشته است.

#### بریکس و صدای نظم در حال تغییر

از این منظر، سخن ایران در بریکس را باید فراتر از یک موضع‌گیری دیپلماتیک مقطعی دید. این سخن، در امتداد مطالبه‌ای گسترده‌تر از سوی کشورهاى در حال توسعه و قدرت‌های نوظهور قرار می‌گیرد؛ مطالبه‌ای برای آنکه نظم جهانی، از انحصار تاریخی فاصله بگیرد و به سوی شمول، توازن و انصاف حرکت کند. بریکس با همه تفاوت‌های درونی‌اش، در سال‌های اخیر به بستری برای طرح همین نارضایتی ساختاری بدل شده است. اهمیت این مجمع نه فقط در همکاری‌های اقتصادی، بلکه در ظرفیت آن برای بازتاب صدای کشورهایی است که خود را در حاشیه سازوکارهای تصمیم‌سازی جهانی می‌بینند. به‌عبارت‌دیگر، بریکس اکنون نه‌تنه‌ایک سازوکار همکاری، بلکه تریبونی برای بیان نارضایتی از نظم نرابرابر نیز هست.

#### موانع اصلاح؛ اما نه بهانه‌ای برای سکون

البته باید اذعان کرد اصلاح واقعی سازمان ملل، به‌ویژه شورای امنیت، با موانعی جدی روبه‌رو است. قدرت‌های برخوردار از امتیاز، به‌سادگی از این جایگاه دست نخواهند کشید؛ به‌ویژه آنکه هر گونه اصلاح عمیق، ناگزیر منافع تثبیت‌شده آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، پیچیدگی‌های حقوقی و ساختاری منشور سازمان ملل نیز مسیر تغییر را دشوار کرده است. اما دشواری اصلاح، هرگز به معنای بی‌نیازی از آن نیست.

### روزشمار جنگ | روز هفتاد و هشتم

عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز با پروتکل‌های حقوقی جدید در حال افزایش است

## عبور آزاد با اجازه ایران

نسبی، پذیرش «پروتکل‌های حقوقی جدید ایران» توسط کشورهای مختلف و شرکت‌های کشتیرانی است. وقتی کشتی‌های جهان می‌پذیرند با قواعد ایران از هرمز عبور کنند، یعنی «محاصره در یایی آمریکا» رسماً دور خورده است. این تسلط ژئوپلیتیک، هراس عمیقی در منطقه ایجاد کرده است؛ تا جایی که امارات متحده عربی با دستپاچگی اعلام کرد پروژه خط لوله نفتی خود به فجیره را برای دور زدن هرمز تسریع می‌کند. هم‌زمان در نیویورک، اظهارات صریح نماینده چین در سازمان ملل مبنی بر مخالفت با قطعنامه پیشنهادی آمریکا درباره هرمز، یک پیام راهبردی داشت. سیگانل وتوپکن نشان داد آمریکا نه‌تنها در دریا، بلکه در شورای امنیت نیز توان اجماع‌سازی علیه ایران را از دست داده است. استقبال هوشمندانه عباس عراقچی از نقش آفرینی چین، نشان‌دهنده شکل‌گیری یک سد دیپلماتیک شرقی در برابر زیاده‌خواهی‌های واشنگتن است.

#### تله آتش بس؛ تناقض مرگبار در جنوب لبنان

اما اگر واشنگتن واقعا به دنبال صلح است، چرا متحد اصلی‌اش در حال شخم زدن جنوب لبنان است؟ وزارت خارجه آمریکا روز جمعه با افتخار از تمديد ۴۵ روزه آتش‌بس میان لبنان و اسرائیل خبر داد؛ اما در همان ساعات، جنگنده‌های اسرائیلی شهر «صور» را بمباران و دستور تخلیه ۹ شهر و

**گروه سیاسی** | هفتاد و هشتمین روز از آغاز نبرد، روز قدم زدن در «منطقه خاکستری» سیاست و میدان بود. در حالی که از یک سو دستگاه دیپلماسی واشنگتن سیگانل‌هایی مبنی بر «آمادگی برای مذاکره»، به ایران مخابره می‌کند و خبر از تمديد ۴۵ روزه آتش‌بس در لبنان می‌دهد، از سوی دیگر ماشین جنگی اسرائیل در جنوب لبنان ۱۲ غیرنظامی و امدادگر را به خاک و خون می‌کشد و لجستیک نظامی آمریکا به منطقه سرازیر می‌شود. ما اکنون در غبار آلودترین تقاطع این جنگ دو نیمه‌ماهه ایستاده‌ایم؛ جایی که نمی‌توان با قطعیت گفت آیا فردا روز امضای یک توافق است یا روز آغاز یک توفان مسلحی جدید. لفاظی‌های دیپلماتیک کاخ سفید هم، بیش از آنکه نشانه عواطف لطیفی باشد، «تله‌ای تاکتیکی» برای مدیریت زمان و فرار از فشارهای بین‌المللی است.

#### محمای هرمز و وتوپکن؛ تثبیت گام به گام اراده ایران

برای خواندن دست آمریکا باید به آب‌های خلیج فارس و راه‌روهای سازمان ملل نگاه کرد. مهم‌ترین تحول ۲۴ ساعت گذشته که ماشین رسانه‌ای غرب تلاش کرد از کنار آن عبور کند، «افزایش عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز» بود. روز جمعه بیش از ۳۰ شناور (عمدتاً مَرِتَبط با خطوط کشتیرانی چین) با هماهنگی و چراع‌سبز نیروی دریایی ایران، با موفقیت از تنگه هرمز عبور کردند. نکته کلیدی در این گشایش

## امتیاز همسایگی با ۱۵ کشور

شکست مذاکرات صلح ایران و آمریکا در اسلام‌آباد موجب شد یخشی از تجارت ایران و کشورهای منطقه از مسیرهای دریایی به کریدورهای مغفول زمینی، ریلی و حتی دریایی جایگزین منتقل شود؛ رخدادی که بار دیگر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران در معادلات ترانزیتی منطقه را برجسته کرد. بر این اساس در شرایطی که بیش از یک ماه از محاصره دریایی آمریکا می‌گذرد، تجارت ریلی ایران و چین سه برابر شده، پاکستان یک مسیر ترانزیتی جدید با ایران راه‌اندازی کرده و در خصوص مناسبات با عراق، عمان، افغانستان و ترکیه هم شاهد اتفاق‌های خوبی هستیم. به‌طور نمونه فاکس نیوز گزارش می‌دهد اکنون قطارهای باری از مرکز چین به ایران هر سه تا چهار روز یک بار حرکت می‌کنند، در حالی که پیش از محاصره، برنامه حرکت آن‌ها هفته‌ای یک‌بار بود. این بدان معناست که فرکانس قطارها تقریباً سه‌برابر شده و جهشی بیش از ۲۰۰ درصدی در ترانزیت ریلی ثبت شده است. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران، اکنون نقش کلیدی در بازطراحی مسیرهای حمل و نقل منطقه‌ای دارد. کارشناسان معتقدند چندین مسیر ترکیبی برای تداوم تجارت تهران و یکن و مستقل از تنگه هرمز قابل بهره‌برداری است. مهم‌ترین آن کریدور تمام‌ریلی آسیای مرکزی است که کالاها را از چین، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان به مرز سرخس و سپس شبکه ریلی ایران متصل می‌کند.

**هدایت جاوید** | اظهارات چند روز پیش یکی از نمایندگان مجلس و بیان اینکه «ما تاکنون با نجابتی که داشتیم از ابزار ژئوپلیتیک (تنگه هرمز) استفاده نکرده بودیم؛ ولی با استفاده از آن، جنگ به نفع ما تغییر کرد، ابزاری که نشان داد از موشک‌ها مؤثر تر بود»؛ از آن دست جملاتی است که باید بیشتر ما را به فکر فروبرده درباره آن حساس شویم. سخن آقای نماینده که در دل خود نوعی انذاع به کملطفی و کم‌توجهی تاریخی در بالفعل رساندن ظرفیت‌های خدادادی بالقوه ایران عزیز است، در شرایطی است که بی‌شک یکی از نتایج نامطلوب جنگ تحمیلی سوم علیه کشورمان بری دشمن آمریکایی- صهیونیستی، درک تصمیم‌سازان از همین ابزارهای ژئوپلیتیک قدرتمند است که می‌تواند اهرم تحریم‌زایی اثر کرده و بلکه به‌عملی برای فعال شدن قدرت نهفته شده بدل کند.

#### فعال شدن دالان‌های زمینی در سایه جنگ دریایی

تنگه استراتژیک هرمز که رسانه‌های غربی از آن به «بمب اتم» جمهوری اسلامی تعبیر کرده و تهران با کنترل آن می‌تواند اقتصاد جهانی را بالا و پایین کند، تنها یکی از امتیازات جغرافیایی است. داشتن مرز آبی و خاکی و در واقع همسایگی با ۱۵ کشور، دسترسی به آب‌های آزاد، قرار داشتن در مسیر کریدور آسیا – اروپا و آسیا- آفریقا، منابع معدنی گسترده و کم‌منظیر و… گوشه‌ای دیگر از امکانات ژئوپلیتیک کشور چهار فصل ایران است.

موارد گفته شده هر کدام به تنهایی می‌تواند به عامل و مؤلفه مهمی برای تولید قدرت درون‌زا تبدیل و وزن منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی را به رخ جهانیان بکشد. در این میان به نظر یک فاکتور از قدرت جغرافیایی ایران این